

Investigation and analysis of hoarding in society

From the perspective of Nahj al-Balaghah and narrations

Abstract

One of the most important tasks of the government and the government in society is to create economic security. Among the behaviors that can destroy economic security and, consequently, the peace of the people, is monopoly. Hoarding is one of the issues that is directly related to the interests of the Muslim community, and preventing it is also the duty of the government and the state. This research tries to answer the important question of how hoarding is expressed in narrations and what are the strategies to prevent, prevent and fight against hoarding by descriptive-analytical method and collecting information in the form of a library. In this article, first the concept of hoarding is examined, then the scope and cases of hoarding are examined, as well as the strategies to deal with the monopolies and the methods that the government can take to prevent and prevent hoarding in society. As a result, hoarding is forbidden in the narrations both because it causes poverty among the people in the society and because it is considered as a defect of a state and government because it leads to other economic corruptions in the society. Has been condemned. Strategies that can be taken to deal with hoarders include making speculative goods available and burning hoarders' property. Banning riders, closely monitoring market affairs, and promoting business ethics are some of the ways the government can prevent hoarding in society.

Keywords: hoarding, economy, society, government, narrations, Nahj al-Balaghah

بررسی و تحلیل احتکار در جامعه از منظر نهج البلاغه و روایات

چکیده

از مهمترین وظایف دولت و حکومت در جامعه، ایجاد امنیت اقتصادی است. از جمله رفتارهایی که می‌تواند امنیت اقتصادی و به تبع آن آرامش مردم را از بین ببرد، احتکار است. احتکار از مسائلی است که مستقیماً با مصالح جامعه مسلمین در ارتباط است و جلوگیری از آن نیز از وظایف حکومت و دولت است. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای سعی دارد به این پرسش مهم پاسخ دهد که احتکار در روایات به چه صورت بیان شده است و چه راهکارهایی برای پیشگیری و جلوگیری و مبارزه با احتکار وجود دارد. در این جستار، ابتدا به بررسی مفهوم احتکار، سپس به بررسی گستره و موارد احتکار و همچنین به بیان راهکارهایی که برای برخورد با محتکرین و نیز روش‌هایی که دولت برای جلوگیری و پیشگیری از احتکار در جامعه می‌تواند انجام دهد پرداخته است. در نتیجه، احتکار از آن جهت که هم در جامعه باعث ایجاد تنگدستی در بین مردم و هم از جهت آنکه به عنوان عیب یک دولت و حکومت محسوب می‌شود چرا که به دنبال آن مفسد اقتصادی دیگر در جامعه به وجود می‌آید در روایات نهی شده است و مورد نکوهش قرار گرفته است. راهکارهایی که برای برخورد با محتکرین می‌توان انجام داد، عبارت‌اند از: در دسترس قرار دادن کالاهای احتکاری و سوزاندن اموال محتکران. منع تلفی راکبان، نظارت دقیق بر امور بازار و ترویج اخلاق تجارت از جمله روش‌هایی هستند که دولت برای پیشگیری از احتکار در جامعه می‌تواند انجام دهد.

کلید واژه: احتکار، اقتصاد، جامعه، دولت، روایات، نهج البلاغه

یکی از آرمانهای مکاتب الهی و بشری، تحقق آرامش و امنیت در جامعه است. به این دلیل، تصمیم‌گیران و حاکمان جوامع، با هر نوع ایدئولوژی که دارند، تلاش فکری و عملی خود را به کار میگیرند تا جامعه اصلاح شده و به آرامش و امنیت برسد. از مهمترین عوامل تحقق آرامش جامعه، ایجاد امنیت اقتصادی است؛ زیرا به وسیله آن، شرایط برای تولید و به تبع آن خود کفایی و استقلال، به وجود می‌آید. از جمله رفتارهایی که میتواند امنیت اقتصادی و به تبع آن آرامش مردم را از بین ببرد، احتکار است. بر این اساس، حکومت‌ها تلاش می‌نمایند، تمام ظرفیت‌های خود را در جلوگیری از احتکار مایحتاج مردم به کار گیرند.

امام علی علیه السلام در نامه خود به مالک اشتر درباره یکی از مفاصد اقتصادی، احتکار، می‌نویسد: «... : در میان بازرگانان کسانی هستند که تنگ نظر، بد معامله، بخیل و احتکار کننده هستند که تنها با زورگویی به سود خود می‌اندیشند و کالا را به هر قیمتی که بخواهند، می‌فروشند که این سودجویی و گرانفروشی برای همه افراد جامعه زیانبار و عیب بزرگی بر زمامدار است. بنابراین، از احتکار منع کن که رسول خدا صلی الله علیه از آن بازمی‌داشت.» (نهج البلاغه/ن 53)

این پژوهش در تلاش است به بررسی احتکار در جامعه به عنوان یکی از مهم‌ترین مفاصد اقتصادی از منظر نهج البلاغه و روایات بپردازد. در همین راستا، برای بررسی دقیق این موضوع باید به سوالات زیر پاسخ داده شود:

1. احتکار در لغت به چه معناست؟
2. گستره و موارد احتکار چیست؟
3. چه شرایطی باید وجود داشته باشد تا عملی احتکار محسوب می‌شود؟
4. چه راهکارهایی را دولت برای جلوگیری از احتکار و مبارزه با آن می‌تواند انجام دهد؟
5. اخلاق تجارت برای جلوگیری از احتکار چه نقشی دارد؟

این جستار در مقام پاسخگویی به مسائل مذکور، سعی دارد با روش کتابخانه‌ای در گردآوری مطالب و روش توصیفی-تحلیلی در بررسی منابع مختلف به تبیین این بحث بپردازد.

پیش از این، برخی از نگاشته‌ها به بررسی احتکار از منظر فقه و مسائل حقوقی نظر داشته‌اند، مانند :

_مقاله «واکاوي حقوقي احتکار و تطبیق آن با قاعده ي فقهي تسليط»، نویسندگان، سمانه اسماعیلی، پیمان عباسیان که در دو فصل نامه علمی اختصاصی معارف فقه علوی در سال دوم، شماره سوم، پاییز و زمستان 1395 در صفحات 5 تا 22 به چاپ رسیده است.

_مقاله دیگری «نقش زمان و مکان در تعمیم مصادیق احتکار با رویکردی به آرای امام خمینی» نوشته سید محمد موسوی بجنوردی و افسانه مهدیان کرانی که در پژوهشنامه متین/سال هفدهم/شماره شصت و نه / زمستان 1394 /صص 53-72 چاپ شده است.

_ نوشته دیگری که در آن در باب احتکار سخن آمده است، مقاله «فقه مدنی در نهج البلاغه» نوشته محسن جهانگیری، علی خیاط و محمدحسن قاسمی که در مجله آموزه‌های فقه مدنی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره 8، پاییز و زمستان 1392 در صفحات 27-48 موجود است.

با توجه به مقالاتی که در این حوزه نوشته شده است، باید گفت، پیش از این، پژوهشی مستقل پیرامون بحث احتکار و کاربرد اخلاق تجارت به عنوان راهکاری موثر برای پیشگیری از آن وجود نداشته است.

برای پاسخ به سوالات مقاله، ابتدا مفهوم احتکار و گستره و موارد آن و مجازات محکوم در روایات، و سپس به ارائه راهکار برای جلوگیری و مبارزه با احتکار به تصویر کشیده می شود.

2. بحث

موارد ذیل به ترتیب قابل بررسی هستند :

2-1. مفهوم احتکار

واژه احتکار از نظر لغوی از ریشه « حکر » اشتقاق یافته که به معانی ظلم، عسر و سوء معاشرت آمده است. (رک : فیروزآبادی، ج2، ص12 / زمخشری، ص19)

احتکار مصدر باب افتعال از « حکر » به معنی جمع و امساک، گرد آوردن و نگهداشتن : اصل الحکر الجمع و الامساک. (ابن اثیر، بی تا، ص 714)

همچنین، احتکار در لغت به معنای جمع آوری و نگهداری مأكولات و نحو آن، به انتظارگران شدن بهای آنهاست. (رک: ابن منظور، 1414 ق، ج 4، ص 208). احتکار در اصطلاح نیز به همین معنا آمده است.

با تأمل در مفهوم احتکار، در کتب اهل لغت، میتوان این معنا را استنباط نمود که احتکار بر حسب ریشه و وضع اولیه عبارت است از جمع و نگه داری هر چیزی که مورد نیاز مردم می باشد و سپس آن را در انحصار در آوردن و امساک کردن و مردم را از آن ممنوع نمودن است. بدیهی است که چنین عملی، همیشه ملازم و همراه با لجاجت و ظلم و سوء معاشرت است. (منتظری، 1406 ق، ص 14)

2-2. گستره و موارد احتکار در روایات

روایاتی که در باب گستره و موارد احتکار آمده است را می توان به دو گروه تقسیم نمود :

1. گروه اول روایاتی هستند که شامل موارد معینی می شوند. (روایات خاص احتکار)
2. گروه دوم روایاتی هستند که احتکار را به صورت عام و بدون قید بیان نموده اند. (روایات عام احتکار)

در ادامه به بررسی این دو گروه پرداخته می شود :

2-2-1. روایات خاص موارد احتکار

روایاتی که برخی موارد خاص را شامل اقلام و موارد احتکار می دانند به شرح ذیل هستند :

رُويَ عَنْ عِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ ع قَالَ لَيْسَ الْحُكْرَةُ إِلَّا فِي الْجِنِّطَةِ وَالشَّعِيرِ وَالْتَّمْرِ وَالرَّيْبِ وَالسَّمْنِ وَالرَّيْبِ : عِيَاثُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ مِنْ أَمَامِ صَادِقٍ زَادَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ رَوَيْتُ كَرِهَ أَنْ يَكُونَ فِيهِ حُكْرٌ : ج 3 ؛ 1413 ق ؛ 265 ص

_ حَدَّثَنَا حَمْرَةُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ الْعَلَوِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ أَخْبَرَنِي عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ التَّوْقَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِيهِ عَنِ عَلِيِّ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص الْحُكْرَةُ فِي سِنَّةِ أَشْيَاءَ فِي الْحِنْطَةِ وَالشَّعِيرِ وَالنَّمْرِ وَالزَّيْبِ وَالسَّمْنِ وَالزَّيْتِ: رسول خدا فرمود احتکار در 6 چیز است در گندم و جو و خرما و کشمش و روغن و زیت. (ابن بابویه، 1377ش، ج 1؛ ص 292)

_ وَ قَالَ ص الْإِحْتِكَارُ فِي عَشْرَةِ الْبُزِّ وَالشَّعِيرِ وَالنَّمْرِ وَالزَّيْبِ وَالذُّرَّةِ وَالسَّمْنِ وَالْعَسَلِ وَالْجُبْنِ وَالْجَوْزِ وَالزَّيْتِ: و فرمود: احتکار در ده چیز است: گندم و جو و خرما و کشمش و ذرت و روغن و عسل و پنیر و گردو و روغن زیتون. (مستغفری، 1381، ص 33)

در این روایات مواردی را که احتکار در آنها نباید انجام شود 6 مورد که عبارتند از: گندم، جو، خرما، مویز، روغن و زیتون بر شمرده اند و در روایت دیگر علاوه بر این شش مورد ذرت و کشمش و عسل و پنیر گردو نیز از مواردی هستند که نباید در جامعه احتکار شوند.

2-2-2. روایات عام موارد احتکار

در برخی از روایات، احتکار به صورت عام و مطلق مورد نهی واقع شده اند. پس در واقع میتوان گفت احتکار به موردی خاص انحصار ندارد و هر کالایی را که در جامعه مورد نیاز مردم باشد ولی توسط برخی افراد جمع آوری و به امید گران فروختن آن کالا نگهداری شوند و در دسترس مردم قرار نگیرند به صورتی که مورد ضرر و سختی آنها شود، احتکار جایز نیست. این روایات عبارتند از:

_ عن جعفر بن محمد عليهما السلام الله قال: « و كلُّ حكرة تضرُّ بالناس و تغلى السعر عليهم فلاخير فيها » در کتاب دعائم الاسلام از امام صادق علیه السلام روایت میشود که فرمود: «هر احتکاری که به مردم زیان رساند و قیمت را برای آنان افزایش دهد، در آن خیری نیست.» (بروجردی، 1386ش؛ ج 23؛ ص 337)

_ النبي صلى الله عليه و آله : « أمّتي في الدنيا على ثلاثة أطباق ... و أمّا الطَّبَقُ الثَّلَاثُ، فَإِنَّهُمْ يَحِبُّونَ جَمْعَ الْمَالِ مِمَّا حَلَّ وَ حَرَّمَ، وَ مَنَعَهُ مِمَّا افْتَرَضَ وَ وَجِبَ. إِنْ أَنْفَقُوهُ أَنْفَقُوا إِسْرَافًا وَ بَدَارًا، وَ إِنْ أَمْسَكُوهُ أَمْسَكُوا بَخْلًا وَ احْتِكَارًا. أَوْلَئِكَ الَّذِينَ مَلَكَتِ الدُّنْيَا زَمَامَ قُلُوبِهِمْ، حَتَّى أُورِدْتَهُمُ النَّارَ بِذُنُوبِهِمْ » : پیامبر «ص»: «امت من در دنیا سه طبقهاند ... امّا طبقه سوم آن کسانی هستند که مال را از حلال و حرام گرد مآوردند و از مصرف شدن در آن راه که واجب است باز مدارند. اگر خرج کنند با اسراف همراه است و سبقت در شهرتطلبی؛ و اگر نگاه دارند از روی بخل است و احتکار مال. اینان کسانی هستند که مهار دلهایشان در دست دنیاست تا آنکه آنان را به سبب گناهانشان به دوزخ درآورد. (حکیمی / ترجمه احمد آرام، 1380، ج 5، ص: 624)

در این روایت احتکار را به هر نوع مالی تطبیق داده است.

_ الإمام علي عليه السلام : « كان ينهى عن الحكرة في الأمصار. » : امام علی علیه السلام از احتکار در هر جا نهی و جلوگیری میکرد. (حکیمی / ترجمه احمد آرام، 1380، ج 5، ص: 631)

احتکار- بنا بر مفهوم- همه آنچه را که مردمان به آن نیازمندند و نبود آنها موجب ستم و ایجاد کمبود خواهد شد شامل میشود. بنا بر این تنها به گندم و مواد خوراکی اختصاص ندارد. و طعام (گندم) بعنوان مثال ذکر شده است، زیرا که احتیاج به گندم و نان از آشکارترین نیازهاست. (حکیمی / ترجمه احمد آرام، 1380، ج 5، ص: 624)

برخی از فقیهان، از منحصر بودن احتکار (در شش چیز) عدول کرده‌اند، همچون شیخ بزرگوار، صاحب «جواهر»، لیکن به ملاک دیگری مانند ظلم. و از لحاظ عملی، تفاوتی در نتیجه وجود ندارد، و مطلوب همین عدم انحصار است، زیرا که «تعمیم احتکار» برای قوام اجتماع و رفع ظلم از مردمان- به هر ملاکی که باشد- سودمند است. در میان متأخران از فقها، کسانی به صراحت گفته‌اند که حرمت احتکار، يك حکم تعبدی و بدون ملاک نیست، و دارای ملاکی غیبی نیز نیست که دریافت آن از دسترس نوع بشر بیرون باشد، بلکه حکمی است که ملاک دارد. و ملاک آن نیاز مردم است به کالاهای احتکار شده، که زندگی را بر جامعه سخت و تنگ میکند. و بدین گونه این اجتهاد نیرومند موافق با اصول، احتکار را به دارو و جامه‌های تابستانی و زمستانی و مواد اولیه آنها، و نیز چیزهایی همچون مواد سوختنی و آب و زمین تعمیم میدهد. (همان)

3-2. سیمای احتکار در روایات

در کتاب « الحیاء / ترجمه احمد آرام، ج 5، ص: 628 » صفات متفاوتی را در توصیف احتکار و محتکر آورده است که عبارتند از :

_ الإمام علي عليه السلام : « الاحتكار رذيلة » : امام علی علیه السلام : احتکار رذیلت (پستی) است.

_ الإمام علي عليه السلام : « الاحتكار شيم الأشرار . » : امام علی علیه السلام : احتکار خوی اشرار است.

_ الإمام علي عليه السلام : « الاحتكار شيمة الفجار. » : امام علی علیه السلام : احتکار خصلت فاجران است.

_ الإمام علي عليه السلام : « المحتكر آثم عاص. » : امام علی علیه السلام : محتکر مرتکب گناه است و معصیت کار.

_ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : « المحتكر ملعون » .: پیامبر صلی الله : محتکر ملعون است.

_ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : « فيما رواه الإمام الصادق: ... الجالب مرزوق، و المحتكر ملعون. » : پیامبر صلی الله به روایت امام صادق علیه السلام : ... کاسب بهره‌مند است و محتکر ملعون.

در این روایات احتکار به عنوان یک صفت و رذیلت اخلاقی معرفی شده اند. پس می توان از راهکارهای اخلاق تجارت برای پیشگیری و جلوگیری از آن استفاده نمود که در ادامه به آن اشاره خواهد شد.

4-2. شرایط احتکار

با توجه به پژوهش های صورت گرفته، هر نگهداری را نمی توان احتکار نامید، در روایات زیر به برخی از شرایط که با وجود آنها میتوان نگهداری را احتکار نامید، اشاره شده است :

- رَوَى حَمَّادُ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الْحُكْرَةِ فَقَالَ إِنَّمَا الْحُكْرَةُ أَنْ تَبْتِئِرَ طَعَامًا وَ لَيْسَ فِي الْمِصْرِ عَيْرُهُ فَتَحْتِكِرَهُ فَإِنْ كَانَ فِي الْمِصْرِ طَعَامٌ أَوْ مَتَاعٌ عَيْرُهُ فَلَا بَأْسَ أَنْ تَلْتَمِسَ بِسِلْعَتِكَ الْفَضْلَ : « حلبی گوید: از امام صادق علیه السلام سؤال شد احتکار چیست؟ فرمود: احتکار آنست که گندم یا ارزاق عمومی را خریداری کنی که غیر از آن در شهر نباشد و آن را انبار کنی و نفروشی، چنانچه در شهر غیر آن، طعام یا متاع باشد آن وقت

اشکالی ندارد که از متاعت منفعت زیادتر بخواهی (آن را به انتظار سود بیشتر نگهداری و نفروشی). (ابن بابویه، 1413ق، ج 3، ص: 266)

- رَوَى السَّكُونِيُّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ ع قَالَ قَالَ عَلِيُّ ع الْخُكْرَةُ فِي الْخِصْبِ أَرْبَعُونَ يَوْمًا وَ فِي السُّدَّةِ وَ الْبَلَاءِ ثَلَاثَةُ أَيَّامٍ فَمَا زَادَ عَلَى أَرْبَعِينَ يَوْمًا فِي الْخِصْبِ فَصَاحِبُهُ مَلْعُونٌ وَ مَا زَادَ فِي الْعُسْرَةِ قَوْقُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فَصَاحِبُهُ مَلْعُونٌ : « و سکونی از امام ششم از پدرش علیهما السلام روایت کرده که امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: نگهداشتن طعام مردم در انبار در سال فراوانی بیش از چهل روز و در خشکسالی بیش از سه روز احتکار است و هر چه در سال فراوانی بر چهل روز و در قحطی بر سه روز بیفزاید انبارکنندهاش ملعون خواهد بود. » (ابن بابویه، 1413ق، ج 4، ص: 362)

با توجه به این روایات، می‌توان گفت: نگهداشتن در صورتیکه فردی ارزاق عمومی را خریداری کند که غیر از آن در شهر نباشد و آن را انبار کند و نفروشد و همچنین کالا را در سال فراوانی بیش از چهل روز و در خشکسالی بیش از سه روز نگهداری کرد، احتکار است و مردم در تنگنا و سختی قرار گیرند.

2-5. مجازات احتکار

در روایات برای احتکار دو نوع مجازات و عقوبت بیان شده است: 1. مجازات دنیوی، 2. مجازات اخروی

2-5-1. مجازات دنیوی محتکر

_ وَ قَالَ ص : « مَنِ اخْتَكَّرَ عَلَى الْمُسْلِمِينَ طَعَامًا صَرَبَهُ اللَّهُ تَعَالَى بِالْجَذَامِ وَ الْإِفْلَاسِ » : و فرمود: هر کس بر مسلمانان طعامی را احتکار کند خداوند او را به جذام و مفلس شدن مبتلا میکند. (مستغفری، 1381، ص: 34)

- وَ قَالَ ص : « مَنِ اخْتَكَّرَ عَلَى الْمُسْلِمِينَ طَعَامًا صَرَبَهُ اللَّهُ بِالْجَذَامِ وَ الْإِفْلَاسِ. » : هر که خوراکی را بر مسلمانان احتکار کند خدا او را به خوره و نداری بگیرد. (مجلسی، 1403ق؛ ج 59؛ ص 292)

2-5-2. مجازات اخروی محتکر

- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَسَلَّمَ : « الْجَالِبُ مَرْزُوقٌ وَ الْمُحْتَكِرُ مَلْعُونٌ. » : و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: واردکننده گندم و خواربار روزیاب است، و انبارکننده طعام مورد لعن و دوری از رحمت حق. (ابن بابویه، 1413ق، ج 3، ص: 266)

_ جعفر بن أحمد القمِّي في كتاب الأعمال المانعة من الجنة عن هشام بن عروة عن أبيه عن جدّه قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله : « من احتكر فوق أربعين يوماً فإن الجنة توجد ربحها من مسيرة خمسمائة عام وائنه لحرام عليه. » : هشام بن عروه از پدرش از جدش روایت میکند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «هرکس بیش از چهل روز احتکار کند، بوی بهشت- که از مسیر پانصد سال شنیده میشود- بر وی حرام خواهد بود.» (بروجردی، 1386؛ ج 23؛ ص 334)

2-6. دلایل منع احتکار در روایات

در نهج البلاغه دلایلی برای منع احتکار آمده است :

2-6-1. زیان آن به جامعه

_ الإمام علي عليه السلام في العهد الأشتري: « ... و ذلك (احتكار المنافع، السلع، البضائع)، باب مضرة للعامة. » : امام علی «ع»: ... این (احتکار کالاها و چیزهای مورد نیاز جامعه)، برای همه مردم زیان دارد. (حکیمی / ترجمه احمد آرام، 1380، ج 5، ص: 626)

2-6-2. زیان آن به حاکمیت

_ الإمام علي عليه السلام في العهد الأشتري: « ... و ذلك (الاحتكار) ... عيب على الولاية. » : امام علی علیه السلام در عهدنامه اشتري: این (احتکار)، ننگی است برای والیان (عوامل حاکمیت). (همان)

2-7. برخورد با احتکار

امام علی علیه السلام در نامه خود به مالک اشتر در باب برخورد با احتکار آورده است :

_ الإمام علي عليه السلام في العهد الأشتري: « ... فمن قارف حكرة بعد نهيك إياه، فنكّل به، و عاقبة في غير إسراف. » : امام علی علیه السلام در عهدنامه اشتري: ... هر کس پس از منع احتکار باز مرتکب این جنایت شود، او را کیفری ده مایه عبرت دیگران؛ و به عقوبتش برسان، با رعایت حد.

نشان دهنده وجوب برخورد با محرکان است.

ظاهر این است که کیفر دادن محرکان بر حسب زمانها و مکانها و محیطها و اوضاع و احوال مختلف فرق میکند، مثلا عقوبت ایشان در زمان جنگ با زمان صلح متفاوت خواهد بود، همچنین در دوران انقلاب با حالت عادی. (حکیمی / ترجمه احمد آرام، 1380، ج 5، ص: 633)

در ادامه، مواردی از این برخورد در روایات آمده است :

2-7-1. در دسترس قرار دادن کالاهای احتکاری

- : « وَ مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ ص بِالْمُخْتَكِرِينَ فَأَمَرَ بِحُكْرَتِهِمْ أَنْ تُحْرَجَ إِلَى بُطُونِ الْأَسْوَاقِ وَ حَيْثُ يَنْظُرُ النَّاسُ إِلَيْهَا فَقِيلَ لِرَسُولِ اللَّهِ ص لَوْ قِيِّمَتْ عَلَيْهِمْ فَعَصَبَ ع حَتَّى عُرِفَ الْعَصَبُ فِي وَجْهِهِ وَ قَالَ أَمَا أَقْوَمٌ عَلَيْهِمْ إِنَّمَا السُّعْرُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ يَرْقَعُهُ إِذَا شَاءَ وَ يَخْفِضُهُ إِذَا شَاءَ. » : رسول خدا صلی الله علیه و آله بر محرکان گذشت و فرمود: انبارهای آنها را به محلّ فروش انتقال دهند جایی که مقابل دیده مردم باشد و بدان بنگرند، و به آن حضرت عرض شد: کاش قیمتی بر آن مگذاشتی، حضرت (ص) در خشم شد بدانسان که اثر آن در رخسارش نمودار گشت و با تعجب فرمود: آیا من تعیین قیمت کنم؟! شک نیست که قیمتها در اختیار خداوند عزیز است قیمت را بالا مبرد هر گاه که بخواهد و نازل میکند هر وقت که بخواهد. « (ابن بابویه، 1413ق، ج 3؛ ص 265)

_ الإمام علي عليه السلام فيما كتبه إلى رفاعة بن شدّاد الجليّ، قاضيه على الأهواز: « انه عن الحكرة، فمن ركب التّهي فأوجعه، ثم عاقبة بإظهار ما احتكر. » : امام علی علیه السلام در نامه‌ای به رفاعة بن شدّاد جلیّ، قاضی اهواز: « از احتکار جلوگیری کن، و هر کس احتکار کرد کیفری دردناکش ده، و سپس با بیرون آوردن اجناس احتکار شده، محرک را به عقوبت برسان. » (حکیمی / ترجمه احمد آرام، 1380، ج 5، ص: 632)

_ الإمام علي عليه السلام فيما كتبه إلى قاضي الأهواز: « ... ثم عاقبه (المحتكر) بإظهار ما احتكر. » : امام علی علیه السلام در نامه‌ای به قاضی اهواز: ... محرک را با بیرون آوردن (و در دسترس مردم قرار دادن) کالاهای احتکار شده بوسیله او، به عقوبت برسان. (همان)

2-7-2. سوزاندن اموال محرکان

ابن حزم اندلسی (م: 456 ق)، در کتاب «المحلّی»، به سند خویش از ابو الحکم روایت کرده است که: «إِنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ «ع»، أَحْرَقَ طَعَامًا احْتَكَرَ بِمِائَةِ أَلْفٍ. «: عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ «ع»، گندمی را که صد هزار درهم قیمت آن بود و احتکار شده بود سوزانید». و از حبیب نقل کرده است که گفت: «أَحْرَقَ لِي عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ «ع» بِيَادِرٍ بِالسُّوَادِ كُنْتَ احْتَكَرْتَهَا، لَوْ تَرَكَهَا لَرَبِحْتَ فِيهَا مِثْلَ عَطَاءِ الْكُوفَةِ عَلِيٌّ. «: ابن ابی طالب «ع» خرمنهایی را که در عراق احتکار کرده بودم آتش زد، که اگر آتش نزده بود، به اندازه مالیات شهر کوفه از آنها سود میبرد». (حکیمی / ترجمه احمد آرام، 1380، ج5، ص: 634)

روشن است که این «احتکار سوزی»، پس از آن بوده است که احتکارکننده زیان خویش را به جامعه رسانده بوده، و گندمها را از دسترس مردم دور مداشته است... و این است قاطعیّت در اجرای عدالت و طرفداری از انسان مظلوم و محروم و اسیر در چنگال سرمایه‌داران کلان و گرگهای اقتصاد و بازار... (همان)

و کسانی که در حاکمیتهای اسلامی، با ظلمها و ظالمان اقتصادی، جز این گونه عمل میکنند، به اسلام زیان می‌رسانند، و نسلها را نومید میکنند، و زیان خردگیران و دشمنان را در جریانهای ناسالم اقتصادی، اسلامی بودن حاکمیّت اسلامی را مخدوش میکنند. نباید این موضوع را- به سود هر کس که باشد- نادیده گرفت. این نادیده‌گیری زیانی بس بزرگ دارد. صنفهای قضایی نیز- با کمال تأسّف- به ناسالم بودن جریانهای اقتصادی و دوام یافتن این ناسالمیها کمک میکند... و باز مایه زیان اسلام است، یعنی مظلومترین دین، در همه تاریخ... (همان)

8-2. روش های دولت برای پیشگیری از احتکار در جامعه

احتکار از مسائلی است که مستقیماً با مصالح جامعه مسلمین در ارتباط است و جلوگیری از آن نیز از وظایف حکومت و دولت است، پس باید روش‌هایی را برای پیشگیری از احتکار در جامعه اتخاذ کند. برخی از این روش‌ها عبارتند از:

2-8-1. منع تلقی ركبان

ركبان جمع راکب است، یعنی سوارگان و تلقی یعنی به استقبال رفتن.

از آنجا که در زمانهای قدیم، کالاها به شهر از طریق چهارپایان و کاروانهای تجاری که از شهری به شهر دیگر می‌رفتند، برخی از افراد جامعه برای زودتر به دست آوردن کالاها و انحصار آنها برای خود، زودتر خود را به کاروانهای تجاری می‌رساندند و در برخی موارد همین امر موجب ایجاد احتکار در جامعه می‌شد. به همین دلیل، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید: «لاتلقوا السلع حتى يهبط الى السوق» : به استقبال کالا نروید، بگذارید در بازار وارد گردد. « (رک : محقق داماد، 1362، ص 67)

2-8-2. نظارت دقیق بر امور بازار

امام علی علیه السلام در نامه خود به مالک اشتر برای جلوگیری از احتکار در جامعه، نظارت دقیق بر امور بازار را پیشنهاد داده اند که عبارتند از: «... وليكن البيع بيعا سمحا : بموازين عدل، و أسعار لاتجحف بالفریقین من البائع و المبتاع. «: باید خرید و فروش در جامعه اسلامی، به سادگی و با موازين عدالت انجام گیرد، با نرخ‌هایی که بر فروشنده و خریدار زیانی نرساند... « (نهج البلاغه، ن 53)

دولت باید بر قیمت اجناس در بازار جامعه نظارت داشته باشد.

2-8-3. اخلاق تجارت

یکی از روش هایی که دولت می تواند برای جلوگیری از احتکار در جامعه انجام دهد، آشنایی بازاریان و تاجران با بحث اخلاق تجارت و رواج این امر در جامعه باشد.

نکته شایان توجه آن است که اخلاق و آداب تجارت از دیدگاه اسلام، با وجود تنوع و گستردگی اش، در واقع نتیجه اصولی است که از نوع جهان بینی و نگرش انسان شناختی اسلام (هم چون اصالت خدا و جانشینی و مسئول بودن آدمی) نشأت میگیرد. (رک : ایروانی، 1384، ص 201)

بن مایه ها و اصول حاکم بر اخلاق تجارت که در آموزه های دینی به آن اشاره شده، عبارت است از :

_ اصل توجه به معنویات

_ اصل عدالت

_ اصل خیرخواهی و پرهیز از غش (فریب)

_ اصل احسان و نیکی

_ اصل امانت بودن اموال

در اینجا به ارائه و تبیین برخی این اصول یاد شده، و نکات اخلاقی آن پرداخته میشود.

الف) اصل توجه به معنویات

از دیدگاه قرآن و روایات، بهترین حالت انسان، توجه به خدا و یاد معاد است و بدترین حالت، غفلت و فراموشی.

بازار، نمادی از زرق و برق دنیا است که زمینه مناسبی برای غفلت آدمی را فراهم می سازد. از این رو، بر اهمیت توجه به امور معنوی در هنگام داد و ستد، تأکید بسیاری شده است؛ این تأکید، در قالب موارد زیر بیان میشود :

یاد خدا، توجه به نماز و یاد معاد.

ب) اصل عدالت

یکی از اصول مهم تجارت، اصل عدالت است. امام علی علیه السلام با اشاره به این اصل می فرماید : « ... ولیکن البیع بیعا سمحا : بموازين عدل، و أسعار لاتجحف بالفریقین من البائع و المبتاع. » : « باید خرید و فروش در جامعه اسلامی، به سادگی و با موازین عدالت انجام گیرد، با نرخ هایی که بر فروشنده و خریدار زبانی نرساند ... » (نهج البلاغه، ن 53)

اجرای عدالت که در تمام فعالیتهای بازرگانی به ن توجه شده است به گونه های مختلفی، تجسم می یابد. مهمترین نمود آن عبارت است از :

1. سود عادلانه

از دیدگاه آموزه های دینی، نرخ سود، بر اساس قانون عرضه و تقاضا و به اندازه هزینه ها و کارهایی است که در تولید و توزیع کالا انجام میشود. به دیگر سخن، سود عادلانه، سودی است که به هیچ یک از دو طرف معامله، زیان و اجحافی نشود، چنان که امیر مؤمنان علیه السلام میفرماید: « ... أسعار لاتجحف بالفریقین من البائع و المبتاع. » : « با نرخهایی که به زیان فروشنده و خریدار نباشد. » (رک : ایروانی، 1384، ص 206)

بنابراین، تردیدی نیست که سودخواهی بیش از اندازه متعارف نکوهیده است که احتکار نیز از جمله این موارد محسوب می شود.

(ج) اصل خیرخواهی و نفی غش (فریب)

یکی از زیرساختهای احکام و اخلاق اقتصادی در اسلام، اصل اخوت است و از نموده‌های مهم و عملی آن، نصیحت و خیرخواهی است که در برابر آن، « غش » قرار دارد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند : « من غش أخاه المسلم نزع الله منه برکة رزقه و أفسد علیه معیشته و وکله إلی نفسه. » : « هر کس به برادر مسلمانش، نیرنگ زند، خداوند برکت رزقش را میگیرد و راه تأمین زندگی‌اش را تنگ می سازد و او را به خود وامی‌نهد. » (مجلسی، 1403ق، ج73، ص 365)

از این روایت به روشنی برمی آید که نهی از غش در معامله بر پایه اخوت اسلامی استوار گشته است.

با توجه به این سه اصل گفته شده، اگر بتوان در بین بازاریان و مردم این اصول را نهادینه سازی کرد، می توان امید داشت مردم با یکدیگر بهتر و درست تر معاشرت و رفتار نمود همانطور که یکی از معانی احتکار، سوءمعاشرت است.

3. نتیجه گیری

با توجه به پژوهش های صورت گرفته، می‌توان گفت :

_ اگرچه احادیث و روایات زیادی به ذکر گستره و موارد احتکار پرداخته اند، اما احادیثی که کلی بوده و دلالتی بر مصداق ندارند، نیز وجود دارد. با تمسک بر این روایات و همچنین اگر ملاک در منع احتکار، منع ضرر یا دفع ضرر قرار گیرد، می توان دامنه احتکار را فراتر از غلات چهارگانه منصوص در روایات دانست و به کلیه کالاها و حتی خدمات نیز تسری داد. برخی فقها نیز اکتفا بر مصادیق در روایات نکرده و دامنه شمول احتکار را فراتر دانسته اند. آنچه در احتکار موجبات ضرر را فراهم می کند، عدم عرضه کالا است.

_ نگهداشتن در صورتیکه فردی ارزاق عمومی را خریداری کند که غیر از آن در شهر نباشد و آن را انبار کند و نفروشد و همچنین کالا را در سال فراوانی بیش از چهل روز و در خشکسالی بیش از سه روز نگهداری کرد، احتکار است و مردم در تنگنا و سختی قرار گیرند.

_ در روایات برای احتکار دو نوع مجازات و عقوبت بیان شده است : 1. مجازات دنیوی، 2. مجازات اخروی

_ احتکار از آن جهت که هم در جامعه باعث ایجاد فقر و تنگدستی در بین مردم و هم از جهت آنکه به عنوان عیب یک دولت و حکومت محسوب میشود چرا که به دنبال آن مفسد اقتصادی دیگر در جامعه به وجود می‌آید در روایات نهی شده است و مورد نکوهش قرار گرفته است.

_ راهکارهایی که برای برخورد با محتکرین میتوان انجام داد، عبارت اند از : در دسترس قرار دادن کالاهای احتکاری و سوزاندن اموال محتکران.

_ منع تلقی راکبان، نظارت دقیق بر امور بازار و ترویج اخلاق تجارت از جمله روش هایی هستند که دولت برای پیشگیری از احتکار در جامعه می تواند انجام دهد.

4. تعارض منافع:

در صورت عدم وجود منابع مالی، باید به صورت شفاف ذکر شوند؛ با عبارتی مانند: «طبق اعلام نویسندگان، هیچ گونه تعارض منافعی وجود ندارد».

5. مشارکت نویسندگان (میزان مشارکت):

انجام تمامی بخش های پژوهش اعم از کمک قابل توجه در طراحی مطالعه و تحلیل یا تفسیر داده های آن، تهیه پیش نویس مقاله یا اصلاح نمودن آن، تصویب نهایی نسخه آماده شده برای چاپ و پاسخ گو بودن در تمام جنبه های پژوهش برعهده ساجده اکبریور (نویسنده مسئول) بوده است.

6. کتابنامه

1. نهج البلاغه
2. ابن اثیر، مجد الدین مبارک بن محمد جزری، ()، *النهایه فی غریب الحدیث و الانفر*، دارالفکر للطباعة و النشر، بیروت، بی تا.
3. ابن بابویه، محمد بن علی، (1362ش)، *الخصال* - قم، چاپ: اول.
4. ابن بابویه، محمد بن علی، (1377ش)، *الخصال / ترجمه کمرهای* - تهران، چاپ: اول.
5. ابن بابویه، محمد بن علی، (1367ش)، *ترجمه من لا یحضره الفقیه* - تهران، چاپ: اول.
6. ابن بابویه، محمد بن علی، (1413ق)، *من لا یحضره الفقیه* - قم، چاپ: دوم.
7. ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم مصری، (1405ق)، *لسان العرب*، نشر ادب الخوره، قم.
8. ایروانی، جواد، (1384)، *اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث*، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد.
9. بروجردی، آقا حسین، (1386)، *جامع احادیث الشیعة (للبروجردی)* - تهران، چاپ: اول.
10. بروجردی، آقا حسین، (1386ش)، *منابع فقه شیعه (ترجمه جامع احادیث الشیعة)* - تهران، چاپ: اول.
11. جوهری، اسماعیل بن حماد، (1333ق)، *تاج اللغة و صحاح العربیه*، چاپ دوم، دارالعلم للملایین، بیروت.
12. حکیمی، محمدرضا و حکیمی، محمد و حکیمی، علی، (1380ش)، *الحیة / ترجمه احمد آرام* - تهران، چاپ: اول.
13. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (1403ق)، *بحار الأنوار (ط - بیروت)* - بیروت، چاپ: دوم.
14. محقق داماد، سید مصطفی، (1362)، *تحلیل و بررسی اختکار از نظرگاه فقه اسلام*، اندیشه های نو در علوم اسلامی، بی جا.
15. مستغفری، جعفر بن محمد، (1381ش)، *روش تندرستی در اسلام / ترجمه طبّ النبی و طب الصادق علیهما السلام* - قم، چاپ: سوم.
16. منتظری، حسینعلی، (1406ق)، *رسالة فی الاحکام و التسعیر*، سازمان انتشارات انقلاب اسلامی بنیاد دائرة المعارف بزرگ اسلامی، بیجا.